

دوباره عصر جمعه ست
زمین گرفته ماتم
زمان دلش گرفته
هوای غربت و غم
ولی تو شادمانی
گل از گلت شکفته
برای عصر جمعه
دلت ترانه گفته
خزان عصر جمعه
برای تو بهار است
شبیبه صبح شنبه
شروع کار و بار است
دوباره شادمانی
که مهلتی گرفتی
تو واقعا عجیبی
تو واقعا شگفتی
ولی بدان که یک روز
تو می رسی به پایان
و صبح جمعه ای شاد
غروب توست ، شیطان !
یحیی علوی فرد

ماهنامه انتظار نوجوان / اردیبهشت 1388